

ارزیابی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه اقتصادی (مطالعه تطبیقی: دولت هشتم و دولت نهم)

محمد اخباری*

سید مصطفی هاشمی**

چکیده:

قدرت ملی هر کشوری نشان دهنده سطح تأثیرگذاری آن کشور در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و ... می باشد. قدرت ملی یک مقوله مجرد و انتزاعی نیست بلکه قدرت ملی یک کشور برآیند عملکرد مجموعه متغیرهای زیادی است که همگی با هم منجر به شکل گیری قدرت آن کشور می شود. یکی از ارکان اصلی قدرت ملی، قدرت اقتصادی محسوب می شود. این درحالیست که قدرت اقتصادی صرفاً یک متغیر انتزاعی نیست بلکه بسته به ویژگی ها و خصوصیات هر کشوری، چنانکه از تمامی متغیرهای مؤثر یک کشور تأثیر می پذیرد، بر هر یک از آنها نیز تأثیر می گذارد. قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه اقتصادی در بازه زمانی سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸ وابسته به مجموعه متغیرهایی بوده که از مهم ترین آنها می توان به متغیر سیاسی که مشتمل بر سیاست داخلی و نیز فضای امنیتی و سیاست خارجی ایران می باشد و نیز متغیرهای چالش هسته ای، متغیر علمی- فناوری و نهایتاً متغیر دفاعی- نظامی بوده است. در بازه زمانی مد نظر عوامل و متغیرهای دخیل در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران به صورت سالیانه در دوره مسئولیت دولت هشتم و دولت نهم، با یکدیگر مورد مقایسه و ارزیابی قرار گرفته است. در ادامه به دلیل نقش اصلی درآمدهای نفتی در افزایش و یا کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، به دو صورت نرخ رشد GDP با نفت و نرخ رشد GDP بدون نفت مورد ارزیابی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: قدرت، قدرت ملی، قدرت ژئوپلیتیکی، تولید ناخالص داخلی

*دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

**دانشجوی دکتری رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات نویسنده اصلی :
m.hashemi2006@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۱۸

مفهوم قدرت در مرکز تمام تحلیل‌هایی قرار دارد که در عالم سیاست انجام می‌پذیرد و بسیاری از صاحب‌نظران، همانند مورگنتا، قدرت را اساس سیاست بین‌الملل می‌دانند و معتقدند همه سیاست‌ها تلاشی برای "کسب قدرت" می‌باشد (زرقانی، ۱۳۸۸، ۱۱). نیل به قدرت به عنوان یک میل فطری، همواره در موجودات زنده وجود داشته (اسکندری، www.ghadeer.com) و مدلی برای کسب قدرت بیشتر توسط کشورهای جهان شده است. در دوره‌ای کشورها را بر اساس قدرت نظامی آنها تقسیم بندی می‌کردند و قدرت ملی یک کشور را صرفاً محدود به قدرت نظامی آنها قلمداد می‌کردند ولی در دوره‌ای نوع نگرش انسان به مفهوم قدرت تغییر یافت و قدرت ملی را از انحصار صرف در قدرت نظامی خارج نمود و قائل به وجود وزن برای مؤلفه‌هایی همچون قدرت اقتصادی، قدرت علمی، قدرت فناوری، قدرت چانه زنی سیاسی در عرصه بین‌المللی و ... شد، لذا امروزه در بیان و تعریف قدرت ملی یک کشور، صرفاً یکجانبه نگریسته نمی‌شود و همواره برای هر متغیری در محاسبه قدرت ملی، یک وزنی در نظر گرفته می‌شود. بر این مبنا امروزه نظام بین‌الملل را از لحاظ ساختاری به سه دسته کشورهای جهان اول، جهان دوم و جهان سوم دسته بندی می‌کنند که خود این تقسیم بندی بر اساس قدرت کشورهاست. اما نکته با مهم تفاوت نگاه اندیشمندان علوم سیاسی به قدرت است. در شرایط کنونی برای ارزیابی قدرت ملی هر کشوری، میزان نرخ توسعه یافتگی آن کشور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که خود شامل یک مجموعه گسترده‌ای از متغیرهای گوناگون نظیر بهداشتی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی و فناوری و ... می‌باشد (مصلی نژاد، ۱۳۹۱، ۱۳۶).

بیان مسئله

مجموعه انسان‌هایی که تشکیل یک ملت را می‌دهند و در قالب یک کشور، سازمان سیاسی پیدا می‌کنند، به یک درجه‌ای از تأثیرگذاری می‌رسند که از آن به قدرت یاد می‌شود و این قدرت از برآیند قوای ترکیب شده آنها بدست می‌آید. به چنین قدرتی که برآمده از بطن یک کشور و مردم آن می‌باشد؛ تعبیر به "قدرت ملی" می‌شود. قدرتی که باعث می‌شود تا مجموعه یک کشور به درجه‌ای از "احساس خودباوری" برسد و به واسطه آن بتوانند "شعاع تأثیر" خود را تنظیم نمایند و "قلمرو تأثیر" خود را در دو سطح داخلی و خارجی بر مبنای آن تنظیم نمایند. احساس خود باوری یک ملت منبعث از وجوه دوگانه و ارکان چندگانه است. وجوه دوگانه شامل وجه عینی و وجه ذهنی؛ و ارکان مختلف شامل عرصه‌های مختلف نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و فناوری و ... می‌باشد و برآیند عملکرد تمامی این مقولات منجر به ایجاد حس خودباوری و قدرت ملی در یک ملت می‌شود. به اعتقاد حافظ نیا، قدرت ملی یک کشور حاصل ترکیب و جمع جبری وجوه مثبت و منفی عناصر و بنیان‌های قدرت آن کشور می‌باشد که از پویایی برخوردار بوده و نسبت به ملت‌ها و کشورهای دیگر قابل فهم و درک است. وی در تعریف قدرت ملی چنین بیان می‌کند: "قدرت ملی یعنی توانایی، قابلیت و ظرفیت یک ملت و یک کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی" (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۲۵۱). چنانکه از تعریف فوق می‌توان برداشت کرد قدرت ملی به طور مستقیم با اعمال اراده ملی ارتباط دارد؛ به عبارت واضح‌تر "قدرت ملی" که خود برآیند و نتیجه مقولات مختلف می‌باشد، بالقوه ظرفی است که این قابلیت را برای یک کشور فراهم می‌کند تا به پشتوانه آن بتوانند اراده خود را در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی اعمال کنند. از همین رو حافظ نیا در بیان قدرت ملی، برای آن دو نوع کارکرد تعریف می‌کند. وی معتقد است با توجه به اینکه قدرت ملی خصلتی پویا دارد، در عین حال که به صورت هدف ملی تجلی پیدا می‌کند، در واقع وسیله‌ای است در دست دولت‌ها و رهبران سیاسی که از آن برای تحصیل اهداف ملی و نیز منافع ملی و در جهت حفاظت و بسط آن استفاده نماید (همان، ۲۸۶). از اینرو در روابط بین‌الملل همواره بر قدرت واحدهای سیاسی و حوزه نفوذ سیاسی کشورها و کیفیت بازیگری آنها در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید می‌شود (زرقانی، ۱۳۸۹: ۱۵۰). رودلف کیلن، معتقد است که حوزه نفوذ و قدرت یک کشور بر پنج وجه استوار است که این وجوه عبارتند از ساخت سیاسی یا کراتوپلتیک، ساخت اقتصادی یا اکوپلتیک،

ساخت اجتماعی یا سوسیوپولیتیک، ساخت جمعیتی یا دموپلیتیک و ساخت فیزیکی - فضایی یا ژئوپلیتیک (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۲۳۴) که برآیند تمام این مؤلفه ها مبین وزن ژئوپلیتیک و قدرت ملی یک کشور می باشد و بنا به گفته حافظ نیا برای سنجش آن باید عوامل و متغیرهایی مثبت و منفی کمیت پذیر نه گانه قدرت شامل سرزمینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، علمی - تکنولوژیکی، فضایی و فرامرزی اندازه گیری شود (همان، ۱۱۰). این ارزیابی به دو حالت قابل انجام است. در یک حالت قدرت ملی یک کشور در بستر زمان و در دوره های زمانی مختلف t_1, t_2, \dots, t_n بررسی می گردد و در حالت دیگر میزان قدرت ملی یک کشور با میزان قدرت ملی کشور دیگر مقایسه می شود (همان، ۲۸۵).

مسئله اصلی در طرح این پژوهش، ارزیابی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در بازه سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۷ در دوره مدیریت اجرایی دو دولت متفاوت است و پرسش اساسی آن است که در کدام دوره از دوران دولت های هشتم و نهم، قدرت ملی ایران در عرصه اقتصادی با رشد بالاتری روبرو بوده است؟ و چه عاملی بیشترین اثر گذاری بر قدرت ملی ایران داشته است؟

فرضیه ای که در پاسخ به این سؤال مطرح می شود آن است که قدرت اقتصادی ایران در دوران دولت نهم در مرتبه بالاتری نسبت به دولت هشتم بوده است و قیمت جهانی نفت اصلی ترین عامل رشد قدرت اقتصادی ایران محسوب می شود.

برای انجام این مقصود به آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی سازمان برنامه بودجه، معاونت راهبردی ریاست جمهوری و مرکز آمار ایران استناد خواهد شد.

روش تحقیق

نگرش تحقیق پیش رو توصیفی - تحلیلی و رویکرد فلسفی پژوهش مبتنی بر پارادایم پوزیتویسم و رهیافت آن متمرکز بر نگاه رئالیسم در حوزه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک است. بدین صورت که با تشریح عملکرد دولت های هشتم و نهم، تأثیر مؤلفه های مؤثر بر قدرت ملی که در هر دو بازه زمانی به صورت مشترک مورد اشاره هر دو دولت بوده است، مورد ارزیابی قرار می گیرد. پژوهش پیش رو، ضمن توصیفی بودن، یک مطالعه موردی است. به عبارتی در پژوهش موردی، یک مورد انتخاب شده و سپس جنبه های مختلف آن مورد بررسی قرار می گیرد.

متغیرهایی که در این پژوهش نقش ایفا می کنند به دو دسته تقسیم می شوند. یک مجموعه متغیرهای مستقل اند که شامل متغیرهای ژئوپلیتیکی اثرگذار بر قدرت ملی می باشد و شامل متغیرهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، سیاسی، امنیتی، علمی و فناوری، نظامی و دفاعی، اجتماعی و نهایتاً چالش هسته ای می باشد و دیگری متغیر وابسته تحقیق است که شامل قدرت ملی ایران است.

ادبیات نظری تحقیق

مفهوم قدرت

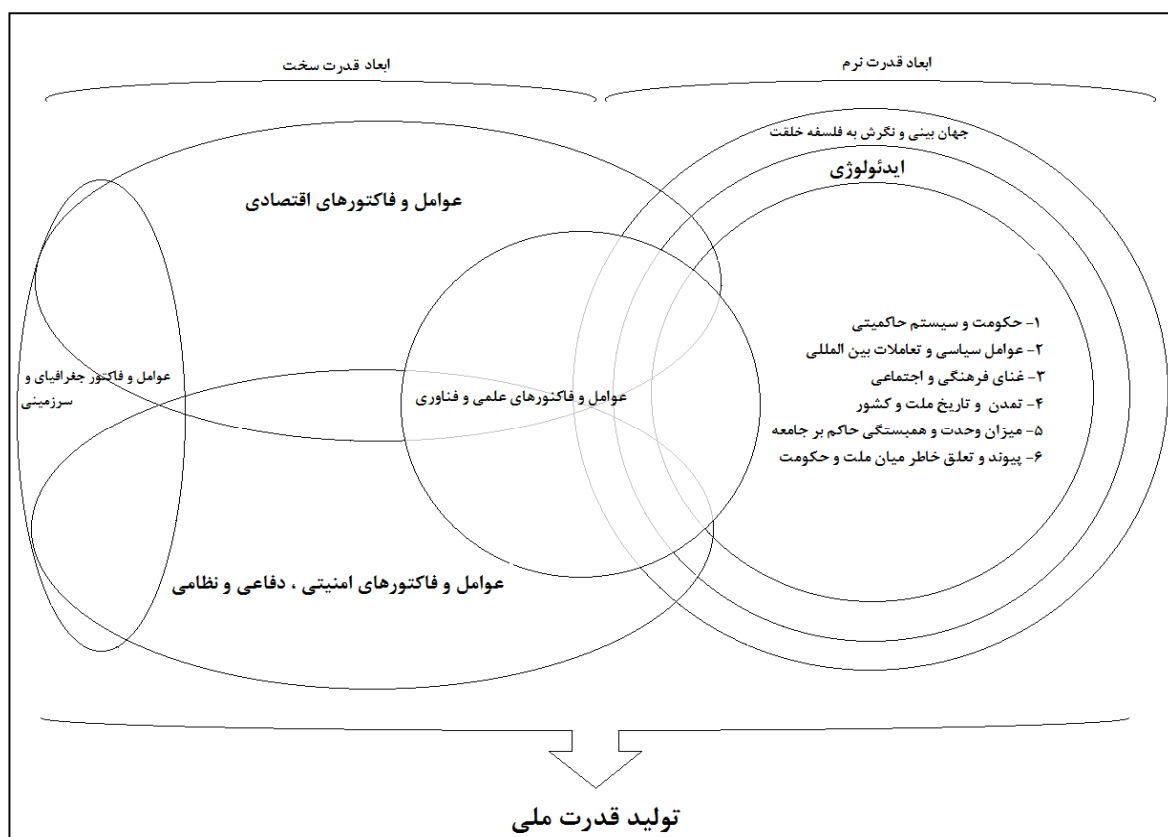
واژه قدرت معادل واژه Power در زبان لاتین است و معادل **to be able** به معنای قابلیت، ظرفیت و توانایی داشتن برای انجام یک فعل و یا تحقق یک وضعیت مورد نظر است و بر عکس آن واژه **unable** به معنای عدم توانایی انجام یک عمل است (Wordpower Dictionary Oxford). سیف زاده در تعریفی که از واژه قدرت در کتاب اصول روابط بین الملل ارائه نموده، بین قدرت و توان - ظرفیت یک تفاوت ماهوی قائل شده است. وی معتقد است قدرت یک رابطه است درحالیکه توانایی و قابلیت یک ظرفیت محسوب می شود که یک پدیده بالقوه یا بالفعل از آن بهره می برد (سیف زاده، ۱۳۸۲، ۱۶۹).

قدرت یک میل فطری است که در تمام موجودات زنده است و تمام موجودات زنده دوست دارند که مطابق این میل فطری اقدام کنند و در هر امری که در قلمرو آنها اتفاق می افتد تأثیرگذار باشند (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۲۳۰) و فضا را مطابق خواسته های خویش و در راستای برآوردهای ذهنی و برنامه های راهبردی خویش جهت دهی کند درحالیکه لزوماً فضا همراستا با وی نیست و لزوماً با وی همراستا نخواهد بود. در چنین شرایطی و برحسب نوع رابطه ای که میان فرد و فضای پیرامون وی پدید آمده، شاهد شکل گیری محیطی هستیم که برآمده از دو بُعد همکاری و منازعه و کشمکش می باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۹، ۹) که نهایتاً منتج به افزایش سطح تسلط و اثرگذاری از و یا کاهش سطح اثرگذاری طرف مقابل خواهد بود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

عبدالرحمن عالم در کتاب بنیادهای علم سیاست، برای قدرت منابع و سرچشمه های مختلفی ارائه می کند که عبارتند از مقوله هایی نظیر دانش، سازمان، موقعیت، اقتدار یا مشروعیت، مهارت، ایمان و رسانه های جمعی؛ و هر یک به نوبه خود شرایط تفوق و برتری را برای قدرت نمایی فراهم می کند (عالم، ۱۳۷۶: ۹۲-۹۳). چنانچه از مفهوم قدرت برداشت می شود، مقوله ای محض گراست که قابلیت کاربردی شدن دارد و به همین دلیل در هر عرصه ای نکته ای متفاوت از آن قابل تأویل است؛ چنین برداشتی از مفهوم قدرت باعث شده تا به صورت های مختلف قابل تقسیم بندی باشد، چنانکه از نگاه مدیریتی، قدرت به سه دسته قدرت اقناعی، قدرت تشویقی و قدرت تنبیهی (Kenneth Galbraith, ۱۹۸۳) قابل تقسیم بندی است در حالیکه از نگاه ابزاری قدرت به دو حوزه قدرت نرم و قدرت سخت قابل تفکیک است. زرقانی در رساله دکتری خویش قدرت را از نگاه دیگری پیکربندی نموده و در چهار حوزه آن را عنوان می کند، به اعتقاد وی از جمله ابعادی که می توان برای قدرت در نظر گرفت می توان به ابعادی نظیر قدرت مادی و قدرت معنوی؛ قدرت مشروع و قدرت نامشروع؛ قدرت مثبت و قدرت منفی و نهایتاً قدرت بالقوه و قدرت بالفعل اشاره کرد (زرقانی، پایان نامه، ۳۶).

قدرت ملی

آنچه از مفهوم قدرت ملی برداشت می شود چیزی نیست جز انعکاس ظرفیت ها و قابلیت های یک ملت که در یک پهنه سرزمینی با یکدیگر همزیستی دارند و به واسطه آن قادر به کسب مشروعیت برای خود می باشند. حافظ نیا معتقد است قدرت ملی برایند قوای ترکیب شده مجموعه انسان هایی است که در قالب یک کشور سازمان سیاسی پیدا کرده اند و تشکیل ملت را می دهند؛ (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۵۱) لذا محدود کردن قدرت ملی یک کشور به داشتن ارتش قوی و یا سلاح های پیشرفته در سیستم ژئوپلیتیکی کنونی چندان قابل پذیرش نیست؛ بلکه قدرت ملی عبارت است از توسعه همه جانبه و متوازن در تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی که ثمره آن شکل گیری یک جامعه پویا و سرشار از انرژی خواهد بود. قدرت ملی برآمده از مؤلفه ها و متغیرهای مختلفی است و هر کشوری تلاش می کند تا با وزن بخشیدن به نقاط مثبت و سرپوش گذاشتن بر نقاط ضعف خود شرایط را برای افزایش بخشیدن قدرت ملی خود فراهم آورد. شکل شماره ۱ مدلی است که می توان بر مبنای آن متغیرهای قدرت ملی کشورها را مورد ارزیابی قرار داد.



مدل ۱ : متغیرهای تولید قدرت ملی (طرح از محقق)

به عبارت دیگر قدرت عنصرسیاسی نیست بلکه محصول منابع مادی و رفتاری کشورهاست. قدرت با زور مترادف نیست و توانایی اعمال قدرت صرفا به شرایط قهرآمیز محدود نمی شود و دولت ها باتوجه به حجم عظیم مراودات خود به ندرت به زور متوسل می شوند (عالم، ۱۳۷۸: ۱۶۳).

قدرت ژئوپلیتیکی

قدرت ژئوپلیتیکی قدرتی است برآمده از مؤلفه های جغرافیایی و مؤلفه های سیاسی که در هم تنیده اند و با تأثیرگذاری بر یکدیگر منجر به شکل گیری برتری جغرافیایی می شود. قدرت ژئوپلیتیکی به جای تمرکز بر قدرت و محوریت قرار دادن یک فرد، پهنه جغرافیایی و سرزمینی را با تمام ویژگی ها و خصایص اش مورد تأکید قرار می دهد که از سوی عناصر سیاسی قابلیت اثرپذیری دارد. نظریات گوناگونی در این حوزه ارائه شده که از جمله آنها می توان به نظریه فضای حیاتی راتزل، هارتلند مکیندر، ریملند اسپایکمن، قدرت دریایی ماهان، قدرت هوایی سورسکی و سیستم ژئوپلیتیکی جهان سوئل بی کوهن اشاره کرد که کوهن تلاش می کند تا یکپارچگی سیستم جهانی را که دربرگیرنده چندین منطقه ژئوپلیتیکی می باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱، ۱۵۸) به وسیله یک سری پیوند ها و مکانیزم های موازنه دهنده و متحرک، تشریح کند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۵).

در این میان برخی از اندیشمندان مصداق هایی برای سنجش قدرت ملی ارائه نموده اند. برخی از آنان تنها به استفاده از یک متغیر تأکید نموده اند و یک شاخصی که توانایی ارائه ظرفیت های یک کشور را به صورت عدد و رقم داشته باشد ارائه نموده اند درحالیکه برخی از صاحب نظران رویکرد تک متغیره صرف را برای بیان ظرفیت های ملی یک کشور

کافی ندانسته اند و بر اساس رویکرد چند متغیره، مدل هایی را برای سنجش قدرت ملی ارائه نموده اند. جدول شماره ۱ معیارهایی که اندیشمندان بر مبنای رویکرد تک متغیره برای سنجش قدرت ملی ارائه نموده اند اشاره می کند

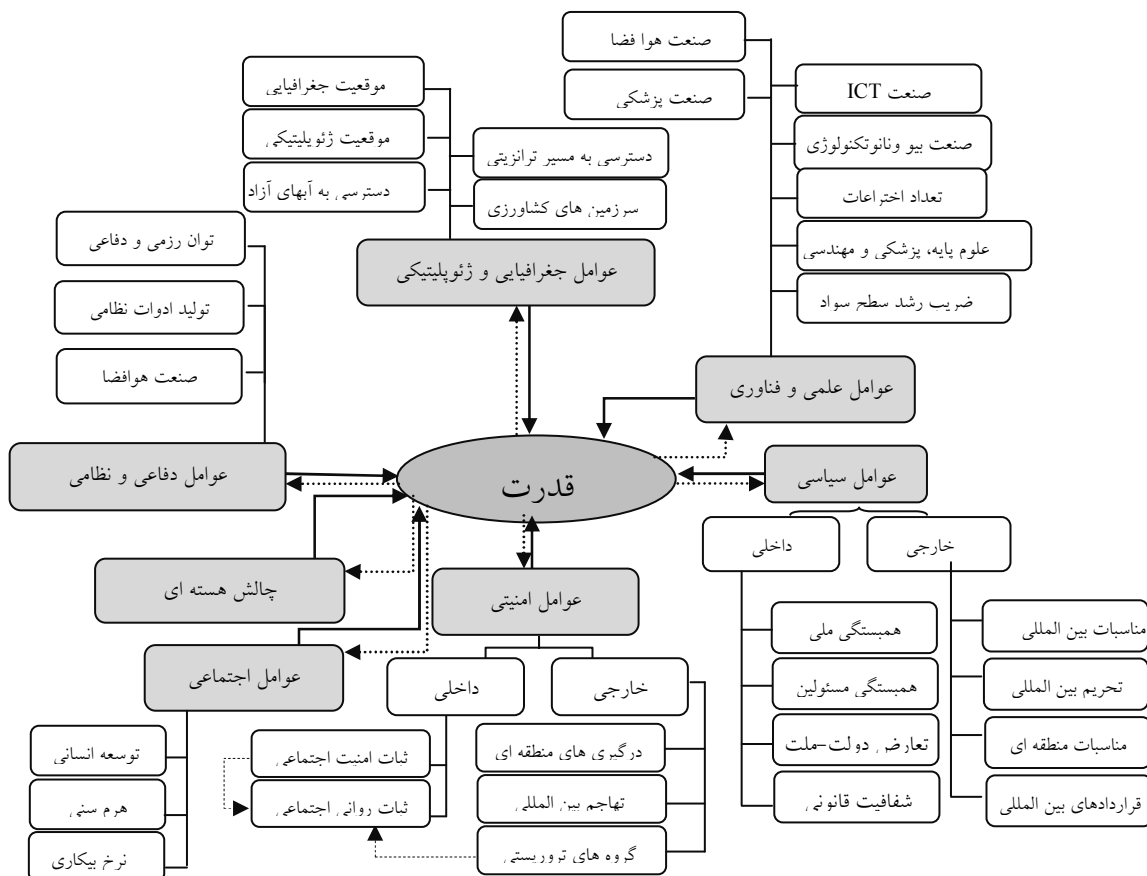
جدول شماره ۱: رویکرد تک متغیره در سنجش قدرت ملی

ردیف	نوع شاخص	طراح مدل	نام شاخص
۱	اقتصادی	کینزلی دیویس	درآمد ملی
۲		چارلز هیچ و دونالد مک کین	تولید ناخالص ملی
۳		بروس راس و اسکار مورگسترن	کل مصرف سوخت و انرژی
۴		جوشا گلداشتین	تولید ناخالص ملی
۵	نظامی	آی نیس کلاد و کارل دیویس	توانمندی و نیروی نظامی
۶		نورمن الکاک و آلن نیوکمپ	هزینه نظامی و نیروی نظامی
۷		جورج مدلسکی و ویلیام تامپسون	اندازه نیروی دریایی

منبع: حافظ نیا، ۱۳۸۵:

قدرت اقتصادی

قدرت اقتصادی به عنوان جزئی از قدرت ملی و قدرت ژئوپلیتیکی یک کشور محسوب می شود که بسته به وضعیت یک کشور می تواند با وزن کم یا زیاد در قدرت ملی ایفای نقش کند. با برآورد و ارزیابی موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و چالش های سیاسی و محیط امنیتی بین المللی و منطقه ای پدید آمده در دوران دولت های هشتم و نهم، مدل پیشنهادی قدرت اقتصادی ایران در این دوران به شکل زیر می باشد.



مدل ۲: متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی ایران در عرصه اقتصادی در دولت های هشتم و نهم (طرح از محقق)

محیط پژوهش

گستره تحقیق پیش رو شامل بررسی وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی سال عای ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸ می باشد. برای أخذ آمار و اطلاعات چهار سال دولت هشتم، به آمار و اطلاعات ارائه شده توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور با عنوان "گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۴ و نظارت بر عملکرد پنج ساله برنامه سوم توسعه" و برای أخذ آمار و اطلاعات چهار سال دولت نهم، به آمار و اطلاعات ارائه شده توسط معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری با عنوان "گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۸ و نظارت بر عملکرد پنج ساله برنامه چهارم توسعه" استناد شده است.

با توجه به موضوع و محتوای پژوهش که متضمن بیان عملکرد اقتصادی دولت و اثربخشی آن بر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین المللی است، محدوده مکانی پژوهش در سطح ملی و نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران و در مقیاس کشور ایران می باشد و محدوده زمانی پژوهش شامل دو دوره ریاست جمهوری دولت هشتم و دولت نهم؛ که هر دوره به مدت چهار سال از سال ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۸ می باشد، انجام گرفته است.

بررسی ظرفیت های سیاسی و اقتصادی یک جامعه و اثرگذاری و اثرپذیری این دو مقوله از یکدیگر و برآیند عملکرد این دو مقوله بر جامعه، از مفاهیم پرواضح در بررسی مفاهیم جامعه شناختی محسوب می شود. چنین نگاهی ناشی از این واقعیت است که اقتصاد و سیاست هر یک در دیگری ریشه کرده ریشه و اقتصاد سیاسی لازم و ملزوم سیاست اقتصادی یک کشور است و این دو مقوله در ارتباط مستقیم با موقعیت ژئوپلیتیکی و فضای جغرافیایی کشور می باشد. موقعیت ژئوپلیتیکی توانایی اثرگذاری بر ساختارهای سیاسی و اقتصادی یک کشور را دارد. سیاست های اقتصادی حکومت ها بر اساس مبنای عوامل و متغیرهای ژئوپلیتیکی ارزش گذاری می شود و دولت ها معمولاً وظیفه مدیریت و جهت دهی به این سیستم را دارند.

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در یک فضای ناهمگون طبیعی، سیاسی، انسانی و فرهنگی محدود شده و با یک هویت چندگانه پیوند خورده است. از لحاظ طبیعی قلمرو جغرافیایی فلات ایران در شمال از فضاهاى ماورای قفقاز، سیبری و آسیای مرکزی؛ در شرق از فضاهاى فلات تبت و فلات دکن (هند) و دشت سند و پنجاب؛ در جنوب از فضاهاى آبی اقیانوس هند، خلیج فارس و شبه جزیره عربستان و در غرب از فضاهاى فلات آناتولی و دشت های بین النهرین متمایز می شود و فضای محصور میان این مناطق دارای هویت طبیعی متمایز شده است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۵). قلمرو فضای سیاسی ایران با قرار گرفتن در میانه فلات ایران؛ با پهنه ای به وسعت ۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع و در نیمه جنوبی منطقه معتدل شمالی بین ۲۵ درجه و ۰۳ دقیقه و ۴۷ درجه و ۳۹ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۱۴ درجه و ۴۴ دقیقه و ۲۰ درجه و ۶۳ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ (سایت وزارت خارجه ایران) شامل ۹۰ درصد فلات ایران در منطقه جنوب غرب آسیا می باشد و با کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان، ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، ترکیه، عراق و از طریق آب های خلیج فارس با کشورهای عمان، قطر، امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی و کویت همسایه می باشد. قلمرو فرهنگی ایران در تعامل و بعضاً در تقابل با قلمروهای فرهنگی هستند که در طول تاریخ با یکدیگر در ستیز بوده اند. قلمروهای فرهنگی که مستقیماً در تعامل با فضای فرهنگی ایران می باشد می توان به قلمروهای فرهنگی ترک، توران، قلمرو فرهنگ روسی-اسلاوی، قلمرو فرهنگ چینی و هندی و قلمرو تمدن عربی و سامی اشاره نمود (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۵).

از سوی دیگر منطقه جغرافیایی که ایران در آن واقع شده، سرشار از منابع انرژی نفت و گاز است. بر اساس برآورد مشترکی که شرکت نفت انگلیسی به همراه اداره انرژی ایالات متحده و سازمان بین المللی انرژی^۲ انجام داده است حجم ذخایر نفت منطقه خزر ۴۸ میلیارد بشکه تخمین زده شده است که برابر با ۴ درصد مجموع ذخایر اثبات شده در جهان و بیشتر از کل ذخایر نفت ایالات متحده امریکا که بالغ بر ۲۹ میلیارد بشکه می باشد. همچنین بر اساس تخمین BP، حجم ذخایر گازی منطقه خزر برابر ۲۵۷ میلیون متر مکعب است که ۴ درصد از حجم ذخایر گازی جهان را به خود اختصاص داده است، اما همچنان بر این حجم ذخیره گازی اتفاق نظر وجود ندارد، بلکه کارشناسان حوزه اکتشاف منابع انرژی معتقدند به احتمال بسیار زیاد منابع ناشناخته عظیمی در این منطقه وجود دارد که حجم ذخایر نفت آن حدود ۸۴ میلیارد بشکه و منابع گازی ۳۰۰ تریلیون مترمکعب برآورد می شود (Caspian Sea, IEA, ۲۰۱۱).

حوضچه خلیج فارس و کشورهای پیرامون آن با ذخیره ۴۰ درصد ذخایر گاز طبیعی و ۶۱/۵ درصد ذخایر نفت جهان بزرگترین و غنی ترین ذخایر نفت و گاز جهان را در خود جای داده است (ویسی، ۱۳۸۸: ۹۳) طبق گزارش BP در پایان سال ۲۰۱۲، ۴/۴۸٪ درصد از نیازهای نفتی جهان توسط کشورهای این منطقه تأمین شده است که کشور ایران با صادرات ۱۵۷ میلیون بشکه نفت سهم ۹/۴٪ از کل صادرات را به خود اختصاص داده است. جدول ۲ مبین حجم صادرات نفت این منطقه در پایان سه دهه است (BP Statistical World Znergy, ۲۰۱۳).

جدول ۲: حجم استخراج نفت از منطقه خاورمیانه

کشور	پایان ۱۹۹۲			پایان ۲۰۰۲		پایان ۲۰۱۱		پایان ۲۰۱۲	
	هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	هزار میلیون بشکه	R/P ratio
ایران	۹۲،۹	۱۳۰،۷	۱۵۴،۶	۲۱،۶	۱۵۷،۰	۹،۴٪	*		
عراق	۱۰۰	۱۱۵،۰	۱۴۳،۱	۲۰،۲	۱۵۰،۰	۹٪	*		
کویت	۹۶،۵	۹۶،۵	۱۰۱،۵	۱۴،۰	۱۰۱،۵	۶،۱٪	۸،۷		
عمان	۴،۷	۵،۷	۵،۵	۰،۷	۵،۵	۰،۳٪	۱۶،۳		
قطر	۳،۱	۳۷،۶	۳۳،۹	۲،۵	۳۳،۹	۱،۴٪	۳۳،۲		
عربستان سعودی	۲۶۱،۲	۲۶۲،۸	۲۶۵،۴	۲۶،۵	۲۶۵،۹	۱۵،۹٪	۶۳،۰		
سوریه	۲،۰	۲،۳	۲،۵	۰،۳	۲،۵	۰،۱٪	۴۱،۷		
امارات متحده عربی	۹۸،۱	۹۷،۸	۹۷،۸	۱۳،۰	۹۷،۸	۵،۹٪	۷۹،۱		
یمن	۲،۰	۲،۹	۳،۰	۰،۴	۳،۰	۰،۳٪	۴۵،۴		
دیگر کشورهای خاورمیانه	۰،۱	۰،۱	۰،۷	۰،۱	۰،۶	*	۸،۴		
کل خاورمیانه	۶۶۱،۶	۷۴۱،۳	۷۹۷،۹	۱۰۹،۳	۸۰۷،۷	۴۸،۴٪	۷۸،۱		

موقعیت جغرافیایی ایران و حضور در منطقه جنوب غرب آسیا و قرار گرفتن میان دو منطقه آبی و مجاورت با مناطق چندگانه با هویت ها و کارکردهای مختلف، موجب شکل گیری نقشی مواصلاتی و ارتباطی برای ایران شده است. این ویژگی درحالی با تاریخ و جغرافیای ایران عجین شده که امروزه به دلیل شکل گیری جمهوری های تازه استقلال یافته پس از فروپاشی شوروی؛ به دلیل عدم دسترسی برخی از آنها به آبهای آزاد، ظرفیت های بی نظیری برای جمهوری اسلامی ایران پدید آمده تا بتواند از طریق ترانزیت کالا و تکیه بر نقش ارتباطی بیشترین بهره و استفاده را از این موقعیت برد (موقعیت حمل و نقل ترانزیتی ایران، ۱۳۷۴: ۱۰۱) البته این ظرفیت چنانکه اشاره شد با تاریخ ایران پیوند خورده و راه های ابریشم و ادویه از دیرباز تداعی کننده این موضوع می باشد درحالیکه در دوران جنگ سرد، نیاز شوروی به آب

^۲ International Energy Agency (IEA)

های گرم موجب تغییر در معادلات سیاسی منطقه شد ولی نکته ای در این بیان می توان به آن تأکید نمود، راه مواصلاتی جنوب به شمال برای تزریق نیازهای اساسی شوروی بوده است که امروزه از آن به عنوان کوریدور شمال به جنوب یاد می شود و باعث شده تا شرایط برای دسترسی روسیه و کشورهای آسیای میانه به آب های گرم خلیج فارس و اقیانوس هند فراهم شود (بیگدلی، ۱۳۸۱: ۷-۱۲) و یا مسیر ترانزیتی شمال غرب به جنوب شرق به عنوان پلی برای ارتباط اروپا و کشورهای شرق آسیا که لاجرم ایران را به عنوان یک کشور نقش آفرین مطرح نموده است به ویژه مرز طولانی با خلیج فارس و وجود بندرگاه هایی با ظرفیت تجاری بالا، نقشی ویژه و برجسته به آن بخشیده است (صادقیان خوری، ۱۳۷۷: ۱۵۰). مؤید چنین نگرشی به نقش ترانزیتی ایران، آماری است که گمرک جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۴ ارائه نموده است. به اذعان گمرک جمهوری اسلامی ایران ترانزیت خارجی کشور از حدود ۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴ به حدود ۲۴/۶ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است که با متوسط نرخ رشد سالانه ۱۸/۷ درصد روبرو بوده است (گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۸، ۱۳۹۰: ۳۶۷). با رجوع به سالنامه آماری گمرک جمهوری اسلامی ایران و با دقت در آمار و اطلاعات مربوط به سالهای متمادی، به وضوح نقش ارتباطی ایران جهت ترانزیت خارجی کالا مشخص می شود. طبق آخرین آمار ارائه شده در سال ۱۳۹۰، پنج کشور عمده مبدأ ترانزیت خارجی در سالهای ۹۰-۱۳۸۹، به ترتیب عبارتند از عراق، چین، امارات متحده عربی، ترکمنستان و آذربایجان می باشد درحالیکه در طی همین دوران، پنج کشور عمده مقصد ترانزیت خارجی در سال های ۹۰-۱۳۸۹ عبارتند از امارات متحده عربی، افغانستان، عراق، ترکمنستان و در نهایت آذربایجان می باشد (سالنامه آماری ترانزیت خارجی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۷). با دقت در آمار و اطلاعات ارائه شده از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران، حرکت سیال کالاها میان مرزهای جغرافیایی و عبور از مسیرهایی که در بالا به آن اشاره شد معین می گردد.

یافته های تحقیق

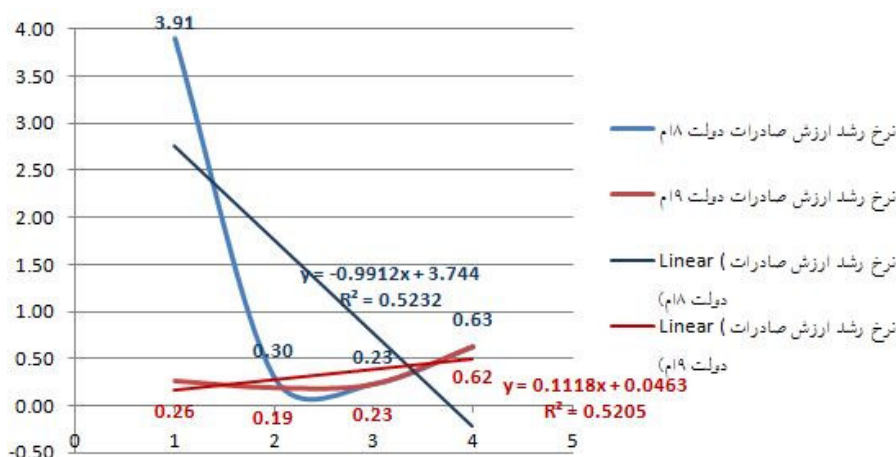
با عنایت به توضیحاتی که در مبانی نظری ارائه شد، در این قسمت تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران در دو بخش بدون نفت و با نفت، نرخ رشد صادرات و واردات و نرخ رشد بیکاری در دولت های هشتم و نهم با یکدیگر مورد ارزیابی قرار می گیرد. با توجه به توالی دوره مدیریت دولت نهم پس از دولت هشتم، ارزیابی ها به صورت سال به سال انجام شده است و نرخ رشد هر دوره در قیاس با دوره دیگر مورد قیاس قرار گرفته است.

نرخ رشد صادرات

با توجه به آمار و ارقامی که از میزان صادرات در دولت های هشتم و نهم در دسترس است، نرخ رشد حجم صادرات جمهوری اسلامی ایران در دولت های هشتم و نهم به شرح جدول شماره ۳ می باشد. رسم نمودار نرخ رشد صادرات در بازه زمانی سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸ و ارزیابی سالیانه دو دولت نشان دهنده این موضوع است که سال دوم هر دولت شاهد یک نرخ نزولی بوده ولی سال سوم و چهارم یک نرخ صعودی به خود گرفته و شاهد رشد صادرات بوده است.

جدول ۳: نرخ رشد ارزش صادرات در سال ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸

سال	ارزش صادرات در دولت هشتم	نرخ رشد دولت هشتم	ارزش صادرات در دولت نهم	نرخ رشد دولت نهم
اول	۳۶۳۷۳۴۴۳	۳٫۹۱	۱۱۹۵۰۵۱۴۱٫۷	۰٫۲۶
دوم	۴۷۳۹۵۱۶٫۵	۰٫۳۰	۱۴۳۳۱۰۶۳۸٫۷	۰٫۱۹
سوم	۵۸۲۰۲۰۷۱	۰٫۲۳	۱۷۴۶۴۷۷۴۸٫۷	۰٫۲۳
چهارم	۹۴۶۴۶۴۰۵٫۳	۰٫۶۳	۲۸۳۴۱۰۰۰۰۰٫۷	۰٫۶۲



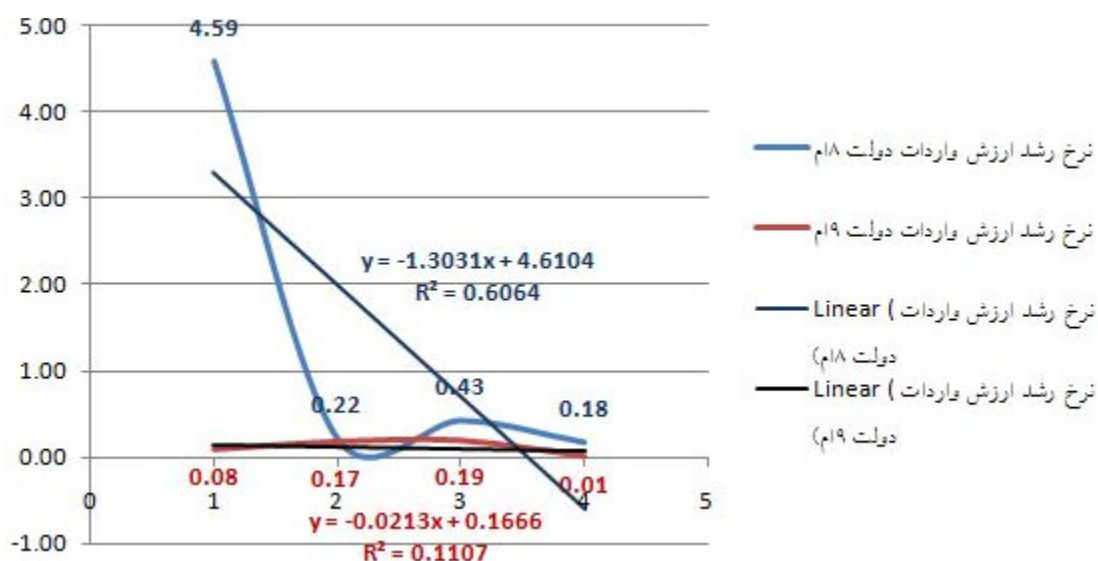
نمودار ۱: ارزیابی نرخ رشد صادرات دولت های هشتم و نهم

واردات

با توجه به جدول شماره ۴ حجم واردات کالا در بازه زمانی سال ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸ هر ساله با رشد روبرو بوده است. اما در دولت هشتم همواره شاهد حجم بالاتری از میزان واردات می باشیم. مطابق مقایسه سالیانه که در نمودار ۲ مشاهده می شود نرخ رشد واردات در دولت نهم در سال دوم و سوم شاهد یک روند صعودی بوده اما در سال چهارم یک نرخ رشد پایین را تجربه نموده درحالیکه میانگین نرخ رشد واردات در سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۴ همواره بالاتر از چهار سال دولت نهم بوده و از یک فراز و فرود در طی سال های اول تا چهارم می باشد.

جدول ۴: نرخ رشد ارزش واردات در سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸

سال	ارزش واردات در دولت هشتم	نرخ رشد دولت هشتم	ارزش واردات در دولت نهم	نرخ رشد دولت نهم
اول	۱۷۳۸۹۳۶۲۶٫۲	۴٫۵۹	۲۸۳۵۶۰۴۴۵٫۵	۰٫۰۸
دوم	۲۱۰۶۵۴۰۸۰٫۳	۰٫۲۲	۴۴۹۹۰۹۶۱۱٫۹	۰٫۱۷
سوم	۳۰۰۸۰۳۷۰۰٫۱	۰٫۴۳	۵۳۳۶۸۲۶۰۴٫۴	۰٫۱۹
چهارم	۳۵۳۵۸۲۹۴۸٫۹	۰٫۱۸	۵۳۸۶۹۹۶۶۴٫۵	۰٫۰۱



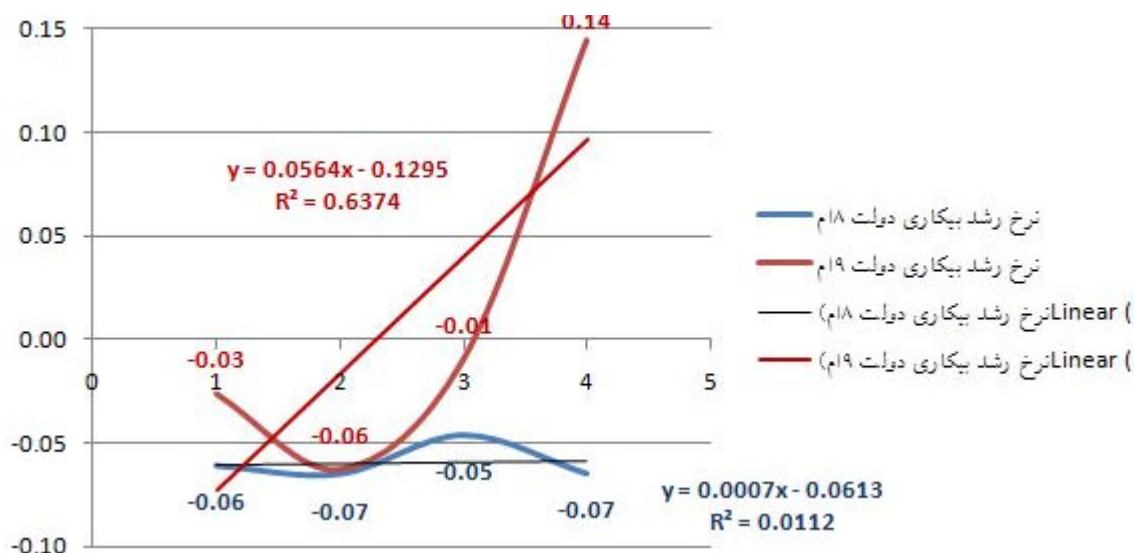
نمودار ۲: ارزیابی نرخ رشد واردات دولت های هشتم و نهم

بیکاری

توانایی دولت در ایجاد اشتغال و رفع بیکاری جوانان نشان از وجود برنامه ریزی در امور کلان مملکتی است. یکی از اصلی ترین وظایف دولت ها کاهش نرخ بیکاری در کشور و ایجاد اشتغال برای نیروهای بی کاران مملکتی است. با تدقیق در آمار و ارقام جدول شماره ۵ و تعداد نیروهای بیکار در بازه زمانی سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸، نمودار ۳ مبین ارزیابی سالیانه نرخ رشد بیکاری در دوره چهارساله دولت های هشتم و نهم است. طبق نمودار ۳، نرخ رشد بیکاری در چهار سال دولت هشتم شاهد یک نوسان متعادل است درحالیکه نرخ رشد اشتغال تنها در سال دوم دولت نهم پایین بوده و در سال سوم و به ویژه سال چهارم شاهد یک نرخ رشد صعودی با شیب ۰,۰۵۶ بوده است.

جدول ۵: نرخ رشد بیکاری دولت های هشتم و نهم

سال	نرخ بیکاری دولت هشتم (درصد)	نرخ رشد در دولت هشتم	نرخ بیکاری دولت نهم (درصد)	نرخ رشد در دولت نهم
اول	۱۳,۸	-۰,۰۶	۱۱,۲	-۰,۰۳
دوم	۱۲,۹	-۰,۰۷	۱۰,۵	-۰,۰۶
سوم	۱۲,۳	-۰,۰۵	۱۰,۴	-۰,۰۱
چهارم	۱۱,۵	-۰,۰۷	۱۱,۹	۰,۱۴



نمودار ۳: ارزیابی نرخ رشد بیکاری در دولت های هشتم و نهم

تولید ناخالص داخلی

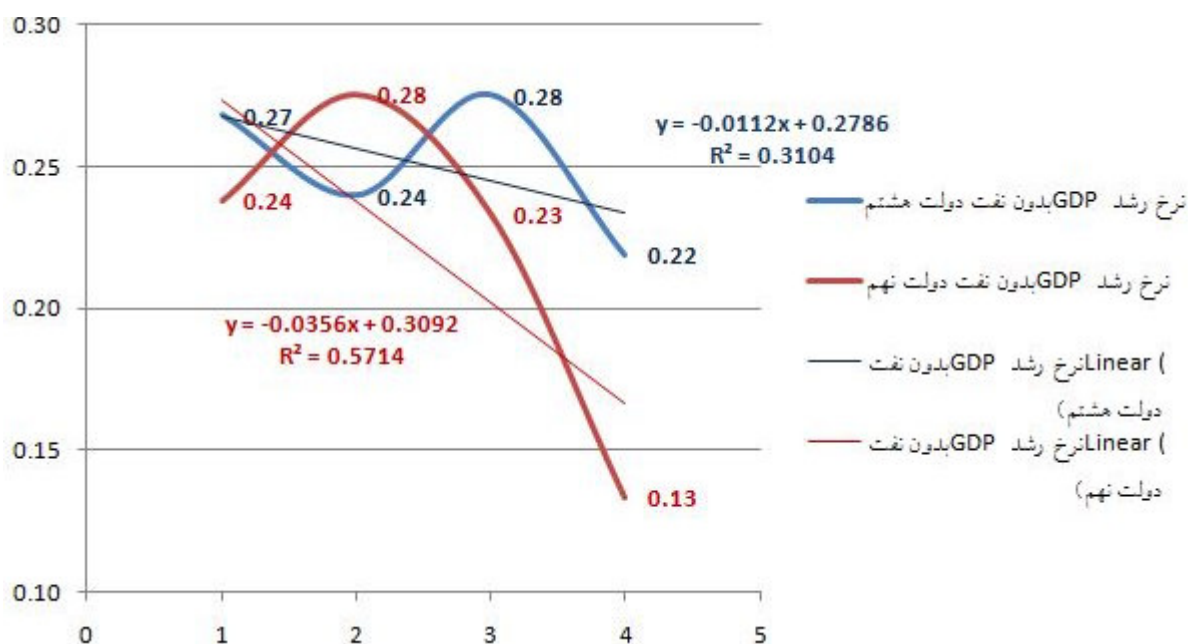
تأثیرگذاری نفت به عنوان یک متغیر ژئوپلیتیکی در افزایش و یا کاهش تولید ناخالص داخلی جمهوری اسلامی ایران غیرقابل انکار است. لذا در این بخش به تفکیک نرخ رشد GDP بدون نفت و با نفت مورد ارزیابی قرار می گیرد.

تولید ناخالص داخلی بدون نفت

جدول شماره ۶ مبین تولید ناخالص داخلی بدون نفت جمهوری اسلامی ایران در بازه سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸ می باشد. نمودار ۴ مبین نرخ رشد GDP بدون نفت در دو دوره چهارساله دولت های هشتم و نهم می باشد. نرخ رشد GDP بدون نفت به غیر از سال دوم دولت هشتم که شاهد رشد صعودی می باشد، در سال های سوم و چهارم با یک شیب $-۰,۰۳۵$ در حال نزول بوده است. درحالیکه رشد GDP بدون نفت در دولت هشتم دارای یک نوسان هارمونیک با شیب $-۰,۰۱۱$ بوده است. بیشترین کاهش نرخ رشد GDP بدون نفت در سال چهارم دولت نهم رخ داده که با یک کاهش $-۰,۱$ روبرو بوده است.

جدول ۶: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت در دولت های هشتم و نهم

سال	تولید ناخالص داخلی دولت هشتم (میلیون ریال)		تولید ناخالص داخلی دولت نهم (میلیون ریال)	
	نرخ رشد در دولت هشتم	تولید ناخالص داخلی دولت هشتم	نرخ رشد در دولت نهم	تولید ناخالص داخلی دولت نهم
اول	۰,۲۷	۷۷۸۸۵۶۴۵۴	۰,۲۴	۱۸۵۸۸۳۹۹۶۹
دوم	۰,۲۴	۹۶۵۷۵۷۱۳۱	۰,۲۸	۲۳۷۱۰۴۴۲۵۲
سوم	۰,۲۸	۱۳۳۱۵۱۳۰۳۷	۰,۲۳	۲۹۳۴۹۳۸۱۱۴
چهارم	۰,۲۲	۱۵۰۱۳۲۰۴۰۶	۰,۱۳	۳۳۱۵۱۰۰۴۶۸



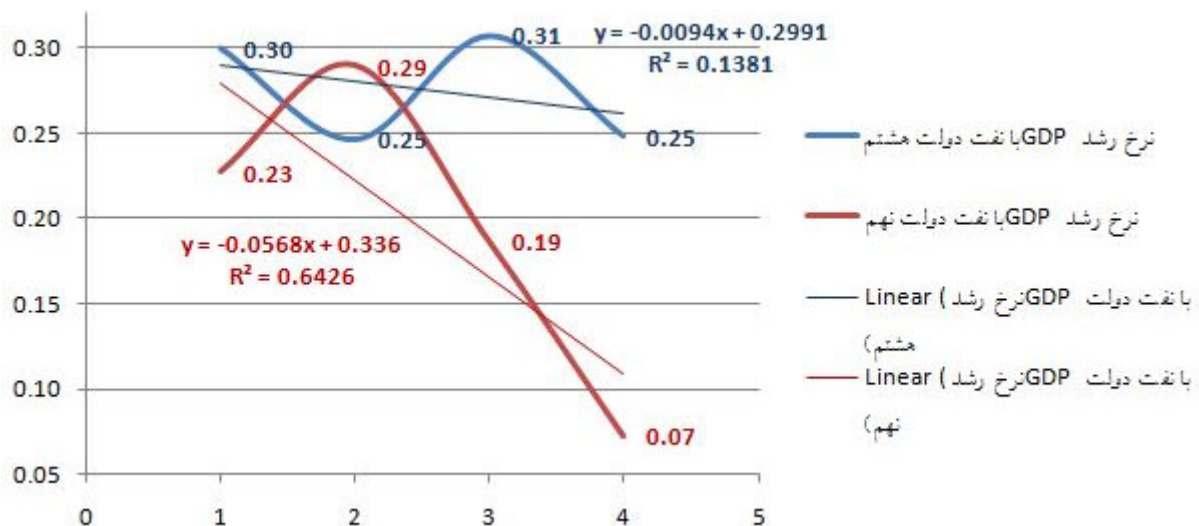
نمودار ۴: ارزیابی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت در دولت هشتم و نهم

تولید ناخالص داخلی با نفت

جدول شماره ۷ مبین تولید ناخالص داخلی با نفت در بازه سال های ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۸ می باشد. نرخ رشد GDP با نفت در بازه چهار ساله دولت های هشتم و نهم در نمودار ۵ نمایش داده شده است. مطابق نمودار ذیل نرخ رشد GDP با نفت در دولت نهم بعد از سال دوم و طی سال های سوم و چهارم همواره شاهد یک رشد نزولی با شیب $-۰,۰۵۶$ بوده است به ویژه که در سال سوم با یک کاهش $۰,۱$ امی و در سال چهارم با کاهش $۰,۱۲$ امی مواجه بوده است اما نرخ رشد GDP با نفت در دولت هشتم در طی بازه زمانی مسئولیتش شاهد یک نوسان تقریباً همگن و هارمونیک بوده است و پس از یک دوره کاهش مجدداً شاهد یک نرخ رشد بوده است. شیب نرخ رشد GDP با نفت دولت هشتم شاهد شیب $-۰,۰۰۹$ در طی چهارساله مدیریت امور کلان کشور بوده است.

جدول ۷: نرخ رشد تولید ناخالص داخلی با نفت در دولت های هشتم و نهم

دولت نهم	تولید ناخالص داخلی دولت نهم (میلیون ریال)	دولت هشتم	تولید ناخالص داخلی دولت هشتم (میلیون ریال)	سال	نرخ رشد GDP با نفت
۰,۲۳	۲۳۸۲۶۷۴۸۱۸	۰,۳۰	۹۵۴۲۴۰۲۷۳	اول	
۰,۲۹	۲۰۷۲۸۵۳۴۹۹	۰,۲۵	۱۱۸۹۲۸۶۸۷۹	دوم	
۰,۱۹	۲۶۴۶۲۵۰۹۲۷	۰,۳۱	۱۵۵۴۸۱۰۸۹۴	سوم	
۰,۰۷	۲۹۱۱۰۶۳۵۹۴	۰,۲۵	۱۹۴۱۱۸۷۵۸۴	چهارم	



نمودار ۵: ارزیابی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی با نفت در دولت هشتم و نهم

نتیجه گیری

با تدقیق در نمودارهایی که در قسمت قبل مورد اشاره قرار گرفت و تجزیه و تحلیلی که بر روی متغیرهای مورد بحث صورت گرفت، به این نتیجه می توان رسید که شرایط محیطی و فضای پیرامونی جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی مسئولیت دولت هشتم به همراه مدیریت اقتصادی دولت هشتم، شرایط را به نحوی فراهم کرده بود که ارزیابی عملکرد دولت هشتم در قیاس با عملکرد دولت نهم؛ در بخش اقتصادی از یک امتیاز بالاتری برخوردار بوده است. برنامه های اقتصادی دولت نهم در کنار شرایط بسته اقتصادی که در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ موجب به چالش کشیدن اقتصاد امریکا و اروپا شده بود به همراه دیپلماسی تهاجمی دولت نهم که شرایط را برای تشدید تحریم قدرت بین المللی فراهم می کرد، موجب تضعیف و کاهش نرخ رشد متغیرهای مؤثر در افزایش نرخ رشد قدرت ملی ایران داشته است. لذا چنین می توان عنوان نمود که عملکرد دولت نهم در عرصه اقتصادی در قیاس با دولت هشتم از یک ناهمگونی نسبی برخوردار بوده و قدرت ملی ایران در عرصه اقتصادی در دولت نهم در سطح پایین ترین از دولت هشتم قرار داشته است.

تشکر و قدردانی

مقاله ارائه شده، از پایان نامه با موضوع سنجش قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در عرصه اقتصادی (مطالعه تطبیقی: دولت هشتم و دولت نهم) استخراج شده است. بدین جهت محققین بر خود لازم می دانند تا از مجموعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز به دلیل حمایت های معنوی اشان، مراتب قدردانی و سپاس را به عمل آورند.

۱. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران، انتشارات سمت.
۲. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
۳. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). سنجش قدرت ملی. تهران، نشر انتخاب
۴. زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۸). مقدمه ای بر قدرت ملی: مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش. تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۹). نقد و تحلیل مدل های سنجش قدرت ملی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹.
۶. سیف زاده، حسین (۱۳۸۲). اصول روابط بین الملل. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲
۷. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۸). مبانی علم سیاست. تهران، نشر نی.
۸. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت
۹. مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۱). سیاست گذاری اقتصادی: مدل، روش و فرآیند. تهران: رخ داد نو.
۱۰. (۱۳۷۴)، موقعیت حمل و نقل ترانزیتی ایران. فصلنامه اتاق بازرگانی، بهمن ۱۳۷۴، شماره ۳۳۴.
۱۱. (۱۳۸۴)، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۳ و نظارت بر عملکرد پنج ساله برنامه سوم توسعه، سازمان مدیریت و برنامه و بودجه
۱۲. (۱۳۹۰)، گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۸ و نظارت بر عملکرد پنج ساله برنامه چهارم توسعه، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهور.
۱۳. اسکندری، محمد به نشانی اینترنتی <http://www.ghadeer.com> تاریخ دسترسی ۱۳۹۲/۴/۱۲
۱۴. سالنامه آماری مرکز آمار، ۱۳۹۰، قابل دسترسی در سایت مرکز آمار ایران به نشانی: www.amar.org.ir
۱۵. گمرک جمهوری اسلامی ایران؛ به نشانی اینترنتی <http://www.irica.gov.ir> در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۳
۱۶. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران؛ به نشانی اینترنتی www.mfa.gov.ir در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۰۲
۱۷. "Caspian Sea" at: www.iaea.org
۱۸. Kenneth Galbraith, John (۱۹۸۳). The Anatomy of Power, Houghton Mifflin, Company Boston.
۱۹. Oxford Wordpower dictionary for learners of English, Merriam Webster Inc, USA, ۱۹۸۶. P ۱۷۷۸-۹;
۲۰. Statistical Review of World energy (۲۰۱۳). At: <http://www.bp.com>